

تهذیب نفس*

حضرت آیه‌الله مظاهری

بسم الله الرحمن الرحيم؛ جلسه، جلسه مقدسی است. خدا را شکر می‌کنم که توانستم در این جلسه شرکت کنم. از دبیر محترم اجلاس آیه‌الله استادی و علمای نراق مخصوصاً امام جمعه نراق و دانشگاه آزاد واحد نراق تشکر می‌کنم که واسطه این فیض شده‌اند و امیدوارم این چند لحظه که در خدمتتان هستم، بحث برای من و شما مفید باشد. فکر می‌کردم در این جلسه مقدس چه بگویم، به نظرم آمد که یک بحث اخلاقی راجع به تهذیب نفس مطرح کنم، به تناسب این که این کنگره درباره دو نفر از معلم‌های اخلاق است. این دو فاضل و دو آیه‌الله العظمی با بسیاری از علوم اسلامی آشنایی کامل و در بعضی از علوم اسلامی تخصص داشتند، اما امتیاز و شهرت این دو عالم در این است که معلم اخلاق بودند و جامع‌السعادات و معراج‌السعادة این دو بزرگوار هنوز کتاب روز است و متأسفانه در این باره خیلی باید کار می‌شد، اما اصلاً کار نشده است. علم اخلاق بالاترین علوم اسلامی است و باید حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در این باره خیلی کار کنند. ما نظیر فقه که چند صد کتاب تخصصی داریم، باید در علم اخلاق نیز چند صد کتاب اخلاق داشته باشیم. تدریس اخلاق در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و حوزه‌ها از همان سطح پایین تا سطوح بالا ضروری است و به قول همین دو بزرگوار از اوجب واجبات است. مرحوم ملامهدی نراقی در جامع‌السعادات و مرحوم ملااحمد نراقی در معراج‌السعادة و حضرت امام هم بارها فرمودند از اوجب واجبات است. اما متأسفانه امروزه، متروک

* سخنرانی ایراد شده در سومین روز کنگره فاضلین نراقی که در تاریخ سوم خرداد ماه سال ۱۳۸۱ در دانشگاه آزاد اسلامی نراق برگزار گردید.

است و امیدوارم این اجلاس به موجب شود یکی از کارهای حوزه و دانشگاه تدریس علم اخلاق باشد. امتیاز این دو بزرگوار در میان علما همین است که این‌ها هم معلم اخلاقند و هم کتاب اخلاق نوشته‌اند. من این بحث را اگر ثوابی داشته باشد، هدیه می‌کنم به روح همین دو بزرگوار و آن کسی که همه این آوازه‌ها از اوست، یعنی حضرت امام -رضوان الله تعالی- و امیدوارم برای شما عزیزان نیز ثواب بزرگی داشته باشد و ما بتوانیم روح پرفتوح این سه بزرگوار را در این جلسه شاد کنیم ان شاء الله.

پیش از ورود در بحث اصلی، سالروز فتح خرمشهر را تبریک می‌گویم. امروز روز فوق‌العاده مقدسی است؛ یک خرق عادت در نظام جمهوری اسلامی است. گرچه همه شما می‌دانید نظام جمهوری اسلامی تا این‌جا با خرق عادت جلو آمده است. یکی از آن خرق عادت‌ها فتح خرمشهر است و امروز عید بزرگی برای این نظام است. من این پیروزی را به عبارت دیگر این عید را به همه شما عزیزان تبریک می‌گویم و از حضرت ولی عصر می‌خواهم نظر لطفی به جلسه عنایت کند و ان شاء الله با لطف امام زمان از جلسه بیرون برویم.

از قرآن و روایات استفاده می‌کنیم که در درون ما بتی قرار دارد. اگر بتوانیم این بت را بشکنیم -که کاری است بسیار مشکل- سعادت‌مند خواهیم شد و به هر کجا بخواهیم می‌توانیم برسیم. و اما اگر نتوانیم این بت را بشکنیم، اول اطلاقی که در قرآن بر ما شده است اطلاق شرک است. در روایات هم این اطلاق شرک وجود دارد و علمای اخلاق، از جمله این دو بزرگوار در جامع السعادات و معراج السعاده بارها و بارها این اطلاق شرک را بر این بت متذکر شده‌اند و شکستن این بت، یعنی تهذیب نفس و خودسازی. یعنی بتوانیم نفس اماره، هوا و هوس و شیطان درون را بشکنیم و مهار کنیم. قرآن این کار را جدی خواسته است. در سوره شمس -که یک سوره منحصر به فرد در قرآن است- یازده قسم خورده است و در قرآن جایی نداریم که برای مطلبی یازده قسم خورده باشد. چندین بار تأکید فرموده است: رستگاری فقط و فقط از آن کسی است که بتواند این بت را بشکند، مهذب شود. بتواند ریشه رذالت را از دل برکند و ریشه فضایل را غرس و بارور کند. بعد هم فرموده است بدبخت و بی‌بهره آن کسی است که نتواند این بت را بشکند و صفت رذیله‌ای بر دل او حکم فرما باشد.

نظیر این آیه در قرآن زیاد است. اگر قرآن را کتاب اخلاق بگوییم اشتباه نکرده‌ایم. قرآن همه چیز دارد؛ اما اگر بخواهیم برای قرآن اسم‌گذاری بکنیم باید بگوییم «کتاب اخلاق» یا به قول امام -رضوان الله تعالی علیه- «کارخانه آدم‌سازی». اگر قرآن را بررسی

کنیم نصف بیشترش مستقیم یا غیرمستقیم مربوط به تهذیب نفس است. بسیاری از آیات مستقیم به اخلاق نپرداخته، ولی رنگ اخلاقی دارد و به قول حضرت امام آیه‌ای نیست که رنگ اخلاقی نداشته باشد. لذا از نظر قرآن خودسازی و تهذیب نفس از اوجب واجبات است. باید همه و همه مواظبت کامل در تهذیب نفس داشته باشیم. قرآن شریف علت قضیه را هم فرموده است که چرا تهذیب نفس این قدر اهمیت دارد. قرآن ترسیمی از جامعه دارد و می‌فرماید مردم دو قسم‌اند: یک قسم افرادی که سلامت نفس دارند، پاکدل‌اند و توانسته‌اند آن بت را بشکنند. این‌ها صددرصد تسلیم حق و واقعیت‌ها هستند و گریه شوق می‌کنند که الحمدلله به حق و واقعیت رسیده‌اند. دسته دیگر کسانی هستند که نتوانسته‌اند آن بت درون را بشکنند. این‌ها حاضرند بمیرند اما حق را نپذیرند. حاضرند سنگی از آسمان سرشان بیاید، آتشی بیاید این‌ها را بسوزاند اما در مقابل حق خاضع نباشند. قرآن شریف می‌فرماید که: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ وَيَأْتِي زَيْتِي وَالَّذِي خَبِيثٌ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا» دل اگر مهذب باشد، اگر صفت رذیله بر دل حکمفرما نباشد، این دل مانند زمین آباد است. فکر این دل طیب است. گفتار و کردارش پاک است. اما اگر صفت رذیله بر دل حکمفرما باشد، اگر منیت بر دل حکمفرما باشد، فکر این خبیث است؛ گفتارش به طور ناخودآگاه خبیث است؛ کردارش هم به طور ناخودآگاه خبیث است.

یک آیه کوچک اما خیلی پرمعناست و این آیه باید همیشه در نظر همه ما باشد: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلِهِ». از کوزه برون همان تراود که در اوست. اگر دل ناپاک باشد، تراوش آن ناپاک است. تراوش آن شراب است. اگر شرابی در کوزه باشد، معنا ندارد تراوش آن آب باشد؛ تراوش آن شراب است. اگر دلی ناپاک باشد فکر آن خبیث است؛ گفتار و کردار آن خبیث است. اما اگر دل پاک باشد، گفتار، کردار نوشته‌ها و بالأخره افکار آن پاک و مفید برای دیگران است.

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلِهِ»؛ قرآن می‌گوید اگر من کتاب اخلاقم، برای این است که صفت رذیله بر دل نباشد. این فرد برای جامعه مفید است. اما اگر صفت رذیله بر دل حکمفرما باشد نمی‌تواند برای اجتماع مفید باشد. برای خودش، اطرافیانش و اجتماعش مضر است. هر چه سعه و جودی او بیشتر، ضررش بیشتر. روایتی راجع به علمای بی‌عمل داریم که به جهنم می‌روند. از سوی گنندگان جهنمی‌ها آورده‌خاطر می‌شوند. حضرت امام -رضوان الله تعالی علیه- می‌فرماید تا بینیم سعه و جودی چقدر است. اگر سعه و جودی به اندازه‌ای باشد که زن و بچه‌اش را خراب کرده باشد، به آن

اندازه و اگر سعه وجودی طوری بوده که جهان را خراب کرده، جهنم را می‌گنداند. هر چه سعه وجودی بیشتر گند او بیشتر. همان‌طور که اگر به راستی مهذب باشد، هر چه سعه وجودیش بیشتر باشد می‌تواند بهشتی در همین دنیا برای مردم تشکیل بدهد. می‌تواند مثل این جمهوری اسلامی را تحویل جامعه بدهد و بالأخره می‌تواند برای خودش و دیگران سعادت‌مند باشد.

ما باید در این‌گونه مجالس، از این‌گونه آیات و روایات استفاده کنیم. قرآن شریف راجع به افرادی که بت در درون آن‌هاست می‌فرماید این بت پرست است. راجع به این افراد می‌فرماید در روز قیامت، با خدا هم می‌جنگد. همان منیت‌ها که در دنیا داشته‌اند آن‌جا ظهور می‌کنند. کسی که بت درونش منیت بوده در روز قیامت هم در مقابل خدا می‌ایستد و به خدا می‌گوید: به حق خودت قسم تو اشتباه می‌کنی، من بهشتی هستم نه جهنمی. قرآن می‌فرماید بین چقدر دروغ می‌گوید: «علیٰ انهم هم الکاذبون». اگر منیت و خودیت کار کند، در قبر و قیامت، در عالم برزخ و بالأخره در روز قیامت همان منیت کار می‌کند و در مقابل پروردگار عالم قد علم می‌کند. افرادی که در این‌جا حق را زمین می‌زنند، روز قیامت هم در مقابل خدا ستیزه‌گری می‌کنند. چنین فردی می‌گوید: خدایا! به حق خودت قسم من آدم خوبی هستم تو اشتباه می‌کنی، من جهنمی نیستم. یک جمله از بزرگی برای من نقل شده من روایت را ندیدم اما آن بزرگ را صد درصد موفق می‌دانم. نظیرش روایتی هست. آن بزرگ فرموده بود که روایت داریم حضرت عیسی می‌خواست بین شیطان و خدا را آشتی بدهد، به خدا گفت: خدایا! اجازه می‌دهی من بین تو و شیطان آشتی دهم؟ پروردگار دو عالم گفت: آری اگر شیطان یک جمله بگوید من او را می‌پذیرم و آن جمله این است که بگوید خدایا! غلط کردم و استغفار می‌کنم. حضرت عیسی خوشحال شد. پیش شیطان رفت و گفت: خدا تو را قبول کرده فقط در یک جمله بگو اشتباه کردم. خدا تو را می‌آمرزد. شیطان تشر رفت به حضرت عیسی و گفت بدکاری کردی. خدا باید از من عذرخواهی کند، نه من از خدا، خدا مرا از درگاهش رانده است. چرا من عذرخواهی کنم. اول او از من عذرخواهی کند تا آشتی کنم.

نظیرش روایت داریم که پیغمبر اکرم (ص) گاهی برای این که یک کسی را از جهنم نجات دهد، به جهنم سر می‌زنند ببیند می‌شود این کار را کرد یا نه. نسیم پیامبر اکرم که به جهنم می‌وزد، بعضی‌ها می‌گویند چه خبر است، این نسیم چیست؟ می‌گویند پیامبر اکرم برای نجات بعضی‌ها آمده است. به سلول‌هایشان می‌روند و در سلول را می‌بندند برای این که چشمشان به پیامبر اکرم نیفتد. نظیر این روایت بسیار است. همه این‌ها به ما

می‌گویند اگر سلامتِ نفس باشد، این وجود، وجود مفیدی است، فکرش مفید است، گفتار و کردارش مفید است، کتابش مفید است و اما اگر سلامت نفس نباشد، گفتارش بدتر از کردارش، کردارش بدتر از کتابش، همه بدتر از هم. افکار پلید، گفتار پلید، کردار پلید، کتاب پلید. اگر بخواهیم برای این اجتماع مفید باشیم مهمتر از همه چیز تهذیب نفس است و این هم، کار بسیار مشکلی است. به قول حضرت امام چهل سال خونِ جگر می‌خواهد تا انسان بتواند مهذب بشود. درختِ رذالت را از دل بکند و به مقام تخلیه برسد، درخت فضیلت را به جای آن غرس کند. منیت‌ها، ریاست‌طلبی‌ها و پول‌پرستی‌ها برود و اما به جای آن، رأفت و رحمت برای مردم بیاورد.

سلامت و تهذیب نفس کار بسیار مشکلی است و متأسفانه در این باره کار نشده، کتاب کم نوشته شده، تدریس نمی‌شود و کار شخصی هم کم است. امیدواریم این دو بزرگوار یعنی ملاحمد و ملامهدی نراقی که هر دو معلّم اخلاق‌اند و نیز حضرت امام، به این مجلس مقدس نظر لطفی بکنند و برای تهذیب نفس مخصوصاً در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها فکر بشود. اگر یک استاد دانشگاه و دانشجو از دانشگاه بیرون بیاید اما مهذب نباشد و پول‌پرست باشد یا یک عالم از حوزه بیرون بیاید مهذب نباشد و پول‌پرست باشد، این همان است که پیامبر(ص) می‌فرماید: «اذا فسد العالم فسد العالم». دیگر بیش از این مزاحم نمی‌شوم و از همه عذرخواهی می‌کنم مخصوصاً از علمای مجلس و امیدوارم که این جلسه برای آخرت و دنیای ما مفید باشد و این‌گونه اجلاس‌ها معمولاً خیلی مفید است و ما هر چه بتوانیم مخصوصاً در دانشگاه‌ها این طور مجالس را برگزار کنیم، قطعاً حضرت ولی عصر (عج) خشنود خواهند شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و اسلامی
 والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پرتال جامع علوم انسانی